

Investigating the Relationship between Mental Accounting of Income Tax and VAT with Tax Compliance¹

Mansour Mehrabiyan², Ahmad Khodamipour³, Omid Pourheydari⁴

Received: 2022/12/21

Accepted: 2023/04/29

Research Paper

Abstract

With the emergence of taxes, the phenomenon of tax evasion and tax non-compliance has always existed. A set of economic, social, cultural, and psychological factors are effective in the decisions of non-compliance and tax evasion of the taxpayer. If the factors affecting tax compliance or non-compliance are determined, changes and reforms in tax laws, structures, or processes can help to increase compliance and prevent tax evasion. This study examines whether financial managers, accountants, and taxpayers, based on the theory of mental accounting, consider income tax and value-added tax as mentally separate and distinct from other financial events. Do people with high scores on mental accounting have more tax compliance? This research is of applied and descriptive-survey type, and from the point of view of the time dimension, it is part of the cross-sectional research that was conducted in the solar year ۲۰۲۲ (tax year 2021). The statistical population of this research consists of financial managers, accountants, and taxpayers of businesses and companies that are required to submit tax returns in Kerman province. Since the statistical population of this research is assumed to be unlimited, to determine the sample size, Cochran's formula was used for the unlimited population, and the sample size was estimated to be 384 people, to collect data, a questionnaire consisting of two questions was used. The results of the study indicate that taxpayers do mental accounting of income tax and VAT mentally separate the tax from other income and distinguish between gross and net income. And they do not enter all financial activities in a single mental account. The results also showed that mental accounting has a positive and significant effect on tax compliance and those who do more mental accounting have higher tax compliance than Taxpayers who do less mental accounting.

Keyword: Mental Accounting, Tax Compliance, Income tax, Value added Tax.

JEL Classification: M41, H26.

1. DOI: 10.22051/JERA.2023.41945.3078

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. (Corresponding Author). (mehrabm89@yahoo.com).

3. Professor, Department of Accounting, Faculty of Manegment and Economics, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran, (khodamipour@uk.ac.ir).

4. Professor, Department of Accounting, Faculty of Manegment and Economics, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. (opourheidari@uk.ac.ir).

بررسی رابطه بین حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده با تمکین مالیاتی^۱

منصور محرابیان^۲، احمد خدای پور^۳، امید پورحیدری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹

مقاله پژوهشی

چکیده

با پیدایش مالیات، پدیده فرار مالیاتی و عدم تمکین مالیاتی همواره وجود داشته است. مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی بر تصمیمات عدم تمکین و فرار مالیاتی مؤثر است. در صورتی که عوامل مؤثر بر تمکین یا عدم تمکین مالیاتی مشخص شود، می‌توان با تغییرات و اصلاحاتی در قوانین، ساختارها یا فرایندهای مالیاتی به افزایش تمکین و جلوگیری از فرار مالیاتی کمک کرد. در این پژوهش بررسی می‌شود که آیا مدیران مالی، حسابداران، مالیات‌دهندگان بر اساس تئوری حسابداری ذهنی، مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده را به صورت ذهنی، جداگانه و تفکیک‌شده از سایر رویدادهای مالی در نظر می‌گیرند؟ و آیا افرادی که نمرات بالایی در انجام حسابداری ذهنی دارند، تمکین مالیاتی بیشتری نیز انجام می‌دهند؟ این پژوهش از نوع کاربردی و توصیفی - پیمایشی است و از منظر بعد زمانی جزء پژوهش‌های مقطعی می‌باشد که در سال شمسی ۱۴۰۱ (سال مالیاتی ۱۴۰۰) انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش را مدیران مالی و حسابداران و مؤدیان مالیاتی مشاغل و شرکت‌هایی که در استان کرمان موظف به ارائه اظهارنامه مالیاتی هستند را تشکیل می‌دهد. از آنجا که جامعه آماری این پژوهش نامحدود فرض شده است، به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود استفاده گردید و حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد و به منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر دو بخش سؤال استفاده گردید. نتایج پژوهش بیانگر این است که مؤدیان مالیاتی به صورت ذهنی، مالیات را از دیگر درآمدها جدا می‌کنند و بین درآمد ناخالص و خالص تمایز قائل می‌شوند و همه فعالیت‌های مالی را در یک حساب ذهنی واحد، وارد نمی‌کنند. همچنین نتایج نشان داد که حسابداری تأثیر مثبت و معناداری بر تمکین مالیاتی دارد و مؤدیان مالیاتی که نمرات حسابداری ذهنی بالاتری دارند، تمکین مالیاتی بیشتری نیز انجام می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: حسابداری ذهنی، تمکین مالیاتی، مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده.

طبقه بندی موضوعی: M41.H26.

DOI: 10.22051/JERA.2023.41945.3078

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول). (mehrabm89@yahoo.com).

۳. استاد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران. (khodamipour@uk.ac.ir).

۴. استاد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران. (pourheidari@uk.ac.ir).

مقدمه

از مباحث مهم در حوزه مالیاتی، بحث رفتاری و فردی مؤدی مالیاتی است. علوم رفتاری از جمله دانش‌های کاربردی است که در قالب رشته تخصصی بنام روان‌شناسی به حوزه علم ورود پیدا کرده است. زیربنای اساسی این دانش، انسان و پیچیدگی‌های ذاتی، رفتاری و شخصیتی است که مستلزم درک و شناخت آن است. مالی رفتاری شاخه‌ای از علوم رفتاری است که به بررسی مسائل مالی از یک نگاه علمی اجتماعی وسیع‌تر، شامل توجه به روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و نیز حذف چارچوب‌های عقلی و منطقی صرف می‌پردازد. در مالیه رفتاری، ویژگی‌های رفتاری که بر فرایند تصمیم‌گیری‌های افراد مؤثرند مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این ویژگی‌ها تورش‌های رفتاری نامیده می‌شوند (فلاح‌پور و عبداللهی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

یکی از تورش‌های رفتاری حسابداری ذهنی است. پدیده حسابداری ذهنی به فرایند ذهنی ارزشیابی مبادلات مالی اطلاق می‌شود. حسابداری ذهنی به این معنی است که افراد تمایل دارند تصمیم‌گیری درباره مسائل مختلف مالی را در حساب‌های ذهنی جدا انجام دهند، بدون در نظر گرفتن این فرض منطقی که بهتر است تمامی این تصمیم‌گیری‌ها را در یک پرتفوی تصمیم‌گیری کنند. حسابداری ذهنی چارچوبی فراهم می‌کند تا تصمیم‌گیرندگان بتوانند مجموع‌هایی از نقاط مرجع را برای هر حساب تهیه کنند و سود و زیان آن را تعیین کنند و سپس با استفاده از نظریه انتخاب، تفاوت بین انواع حسابها را مشاهده کنند و در نهایت تصمیم‌گیری نمایند (گرینبلات و هان، ۲۰۰۵: ۳۱۱).

طی دهه ۹۰ با اعمال تحریم‌های گسترده، دولت‌ها در ایران نیم‌نگاهی به درآمدهای مالیاتی داشتند. بر اساس قانون بودجه سال ۱۴۰۰ رقم پیش‌بینی شده برای درآمد مالیاتی دولت برای ۱۲ ماه حدود ۳۲۹ هزار و ۸۳۹ میلیارد تومان بود که از این مقدار، نزدیک به ۲۷۴ هزار میلیارد تومان آن مربوط به عملکرد سازمان امور مالیاتی شامل مالیات اشخاص حقوقی، مالیات بر درآمدها، مالیات بر ثروت و مالیات بر کالاها و خدمات و حدود ۵۵ هزار و ۸۵۶ میلیارد تومان آن نیز مربوط به مالیات بر واردات بوده است. طبق گزارش سازمان امور مالیاتی در ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۰ از رقم ۲۷۴ هزار میلیارد تومان درآمد پیش‌بینی شده، ۲۷۷ هزار و ۶۳۰ میلیارد تومان محقق شده که نشان از تحقق بیش از ۱۰۱ درصدی درآمد دولت در این بخش است (دنیای اقتصاد، ۱۴۰۰: ۱). یکی از

مهم‌ترین راههای افزایش درآمدهای مالیاتی، تلاش برای افزایش تمکین مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی است. تمکین مالیاتی به مفهوم پایبندی به تکالیف مالیاتی و رعایت قوانین مالیاتی از سوی گروههای متعدد مؤدیان مالیاتی است. افزایش تمکین مالیاتی نه تنها درآمد دولت را بهبود می‌بخشد، بلکه راهی برای توسعه نظام مدنی پیشرو محسوب می‌شود.

تمکین مالیاتی با دو رویکرد اقتصادی و غیراقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (حجازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۷). رویکرد اقتصادی به دنبال ارائه مدل‌های محض اقتصادی است و رفتار تمکین را با مفروضاتی همچون مطلوبیت و بیشینه‌سازی سود مورد انتظار بررسی می‌کند. این رویکرد عواملی همچون میزان درآمد واقعی، نرخ مالیات، مزایای مالیاتی، حسابرسی مالیاتی، احتمال حسابرسی، جریمه‌ها و مجازات را در اختیار گذاشته است. گروه دیگری از محققان معتقدند مسئله تمکین مالیاتی پیچیده‌تر از آن است که با رویکردهای محض اقتصادی تبیین شود (کرچلر و همکاران^۱، ۲۰۰۷: ۱۸۵). در این رویکرد عوامل غیراقتصادی که از نگاه اقتصاددان دور مانده است، عواملی همچون اخلاق مالیاتی، هنجارها، ادراک از انصاف و عدالت برای تبیین تمکین مالیاتی معرفی شده است (مورفی^۲، ۲۰۰۸: ۱۱۳).

بر اساس آمارهای خزانه‌داری کل کشور، در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷، سهم مالیات از حدود ۳۱ درصد به حدود ۴۲ درصد افزایش یافته است، این ارقام نشان می‌دهد ساختار اقتصاد ایران و ترکیب منابع بودجه دولت به درآمدهای غیر مالیاتی وابسته بوده و بخش قابل توجهی از منابع بودجه دولت از محل فروش نفت تأمین می‌شود. بنابراین با توجه به کاهش درآمدهای نفتی اهمیت افزایش درآمد مالیاتی دوچندان می‌شود. از طرفی با توجه به شرایط رکود تورمی کشور، افزایش پایه‌های مالیاتی جدید یا افزایش مالیات‌های پیشین می‌تواند آسیب‌زا باشد. برآوردها نشان می‌دهد رقم فرار مالیاتی در کشور بین ۵۰ تا ۱۵۰ هزار میلیارد تومان می‌باشد که البته به دلیل عدم وجود اطلاعات کافی از اقتصاد زیرزمینی این میزان برآورد چندان دقیق نیست. لذا با توجه شرایط کنونی یکی از راهکارهای افزایش درآمد مالیاتی کشور، جلوگیری و کاهش فرار مالیاتی است. شناسایی عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی و اینکه چرا برخی افراد مالیات پرداخت می‌کنند و برخی دیگر از پرداخت مالیات اجتناب یا فرار می‌کنند، می‌تواند در تدوین خط‌مشی‌های کاهش فرار مالیاتی بسیار مؤثر باشد.

1. Kirchler et al.
2. Murphy

حسابداری ذهنی به دنبال درک اثرات احساسی، در فرآیند تصمیم‌گیری و انتخاب است. در این پژوهش نقش حسابداری ذهنی در تصمیمات و انجام تمکین مالیاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. با شناخت و درک عوامل احساسی و روانی مؤثر در تصمیم‌گیری مؤدیان مالیاتی می‌توان با آموزشها و تکنیک‌هایی و حتی اصلاح قوانین و مقررات و فرایندهای مالیاتی به افزایش تمکین مالیاتی و به تبع آن افزایش درآمد مالیاتی کمک کرد. از آنجا که در پژوهش‌های پیشین، بیشتر عوامل اقتصادی مؤثر بر تمکین مالیاتی مورد بررسی قرار گرفتند و کمتر به عوامل روان‌شناختی مؤثر بر آن پرداخته شده است، این پژوهش می‌تواند منجر به گسترش دانش در حوزه مالیاتی گردد. لذا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که تا چه اندازه حسابداری ذهنی مؤدیان مالیاتی می‌تواند بر تمکین مالیاتی آنها مؤثر باشد. از این رو هدف پژوهش حاضر، بررسی تفاوت‌های مؤدیان در استفاده از حسابداری ذهنی و تأثیر این تفاوتها بر تمکین مالیاتی آنها می‌باشد. بدین منظور در این مقاله، ابتدا به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش و فرضیه‌های پژوهش پرداخت می‌شود. سپس روش‌شناسی پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد و در پایان نیز تجزیه و تحلیل یافته‌ها، نتایج پژوهش، پیشنهادات و محدودیتها ارائه می‌شود.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

۱- تمکین مالیاتی^۱

رفتار مؤدیان مالیاتی در برابر قانون مالیات در طیف وسیعی از تمکین تا عدم تمکین قرار دارد. منظور از تمکین مالیاتی این است که مؤدیان، قوانین و مقررات مالیاتی کشور را به چه میزان رعایت می‌کنند. این رعایت شامل ثبت نام در سیستم مالیاتی، تسلیم اظهارنامه، نگهداری و ارائه اسناد و مدارک، محاسبه، گزارش و پرداخت صحیح بدهی مالیاتی در زمان مقرر است. طبق ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم، جمع درآمد شرکتها و درآمد فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌شود، پس از وضع زیانهای ناشی از منابع غیر معاف و کسر معافیت‌های مقرر به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون نرخ جداگانه‌ای دارد، مشمول ۲۵ درصد مالیات می‌شود. رعایت قوانین و مقررات مالیاتی توسط شرکت، یعنی تطابق هرچه بیشتر مالیات ابرازی (که بر اساس قوانین و مقررات تعیین می‌شود و شرکت در اظهارنامه مالیاتی آن را درج می‌کند) با مالیات قطعی (که مأموران مالیاتی

سازمان امور مالیاتی کشور تشخیص می‌دهند و قطعی می‌شود) و این همان تمکین مالیاتی از سوی مؤدی است.

مشخص نبودن دلایل پرداخت مالیات به صورت داوطلبانه و همچنین فرار مالیاتی باعث شد که در چند دهه گذشته محققان روی این موضوع کار کنند، در نتیجه پژوهش‌های این چند دهه عوامل مؤثر بر پرداخت مالیات مانند: منفعت حاصل از فرار پرداخت مالیات، هزینه‌های تمایل به پرداخت مالیات، ترس از دستگیر شدن و جریمه مالیاتی شدن، حسابرسی، تساوی و عدالت سیستم مالیاتی و انگیزه پرداخت مالیاتی بررسی شدند. برعکس عوامل دیگر، انگیزه پرداخت مالیات به طور وسیعی بررسی نشده است، انگیزه‌های اخلاقی و فرهنگی پرداخت مالیات نقش مؤثری در تمایل به پرداخت مالیات‌دهندگان دارند، اگرچه اثر این انگیزه‌ها به دلیل ریشه‌های مختلف فرهنگی و سوابق تاریخی جوامع از جامعه‌ای به جامعه‌ای متغیر می‌باشد (خواجوی و کرماهی، ۱۳۹۷: ۱۸۹)

انگیزه پرداخت مالیات به عنوان یک اصطلاح ابتدا در دهه ۱۹۶۰ به وسیله راسچومولدار و استرامپل^۱ در مدرسه روان‌شناسی مالیات کلن^۲ بیان شده است، آنها تأکید کردند که انگیزه مالیاتی یک عامل مهم برای توضیح تمایل به پرداخت مالیات است. در دهه ۱۹۹۰ انگیزه مالیاتی نقطه اوج چرخه‌های علمی شد. توافق کلی پژوهش‌ها بر سه تعریف انگیزه پرداخت مالیات این گونه است که انگیزه پرداخت را به عنوان انگیزش درونی پرداخت مالیاتها تعریف می‌کنند. بعلاوه پژوهش‌های صورت گرفته انگیزه مالیات را به بعضی از جنبه‌های دیگر مانند هنجارهای اجتماعی، دیدگاه‌های قدرت و اعتماد و طبیعت مبادله مالیاتی مرتبط می‌سازند. هاسلدین^۳ برای انگیزه پرداخت مالیات دو مدل روان‌شناسی و مسائل اقتصادی را مطرح کرد و پس از او محققان به معرفی مدل روان‌شناسی مالیاتی پرداختند که هر دو مدل مطرح شده فوق را دربر می‌گیرد. بعضی از محققان اشکال مختلف تمکین مالیاتی را توضیح می‌دهند، برای مثال مک بارنت^۴ تمکین را به سه شکل مختلف تقسیم می‌کند، ابتدا او تمکین تسلیمی را به عنوان تمایل مالیات‌دهنده به پرداخت مالیات بدون اعتراض و شکایت تعریف می‌کند. دوم او تمکین اجباری را اضافه می‌کند که بعضی از روی اکراه و بی‌میلی تسلیم پرداخت مالیات می‌شوند. سوم تمکین

1. Strumpel

2. Cologne school of tax psychology

3. Hasseldine

4. McBarnet

خلاقانه می‌باشد که سود بردن از وقفه‌های موجود در قانون مالیات، احتمال پایین آوردن سطح درآمد یا تنظیم کردن یک سیاست جدید هزینه طبق الزامات مالیاتی در کنار تخلف نکردن از پایه‌های واجب و ضروری است (خواجه‌وی و کرشاهی، ۱۳۹۷: ۱۸۹).

۲- نظریه چشم‌انداز

نگاه جدی به مالی رفتاری به‌عنوان یک موضوع دانشگاهی و حتی فراتر از آن، بی‌گمان مدیون و مرهون پژوهش‌های کانمن و تورسکی^۱ است. در واقع، نظریه چشم‌انداز^۲ (PT) بر اساس پاسخ به ابهامات نظریه مطلوبیت مورد انتظار^۳ (EU) شکل گرفته است. تناقضاتی که از نظریه مطلوبیت مورد انتظار گزارش شد، رفته‌رفته به شکل معمای بی‌پاسخی در آمد، از این رو تلاش برای حل این معما آغاز شد. کانمن و تورسکی دریافتند در شرایط نامطمئن، تصمیم‌گیری انسان به شکلی نیست که در نظریه‌های اقتصاد متعارف پیش‌بینی می‌شود. آنان پی بردند قضاوت بشری، میان‌بری‌های شهودی یا ذهنی و ابتکاری دارد که با اصول متداول نظریه احتمالات بیان کردنی نیستند. این اعتقاد آنان، در قالب نظریه چشم‌انداز تکوین و به‌مرور تکمیل شد تا جایگزین مدل مطلوبیت مورد انتظار استفاده شود. نظریه چشم‌انداز ساده و نظریه توسعه داده‌شده چشم‌انداز با عنوان نظریه چشم‌انداز تجمیعی را کانمن و تورسکی به ترتیب در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۹۲ ارائه کردند (پورحیدری و کیان، ۱۳۹۷: ۴).

کانمن و تورسکی معتقدند انتخاب در شرایط نامطمئن، برآیندی از چندین اثر فراگیر منتج از رفتار افراد است. نحوه استدلال و کوشش کانمن و تورسکی در سال ۱۹۷۹، برای معرفی نظریه خود شنیدنی بود. آنان از ادبیات روان‌شناسی که تا آن هنگام استفاده چندانی در اقتصاد نداشت، برای نظریه‌پردازی اقتصادی استفاده کردند. بیان موضوع کم‌وزنی به پدیده‌های دارای احتمال وقوع بالا در مقابل بیش وزن دهی به پدیده‌های دارای احتمال وقوع پایین، همچنین مطرح کردن اثر قطعیت یا اطمینان، که بدان واسطه افراد همیشه گزینه‌هایی را ترجیح می‌دهند که قطعی هستند، از نکات جذاب ایده ایشان بود. آنان با اشاره به اثر تفکیک عملکرد متناقض افراد در انتخاب، همزمان با تغییر موقعیت را توضیح دادند. کانمن و تورسکی بیان می‌کنند اثر تفکیک در تصمیم به انتخاب باعث می‌شود افراد از پیامدهای مشترک چشم‌پوشند.

1. Kahneman & Tversky
2. Prospect theory
3. Expected utility

به عبارت دیگر، افراد به منظور ساده‌سازی فرایند انتخاب بین حالت‌های مختلف، اجزای مشترک بین حالت‌ها را نادیده می‌انگارند و فقط به اجزائی توجه می‌کنند که در هر حالت متمایز است. در نتیجه، انتخابهای آنان با ترجیحات تعریف شده‌ای (نظیر آنچه در اقتصاد متعارف گفته می‌شود) سازگار و منطبق نیست.

از سوی دیگر، مهم‌ترین قسمت این نظریه، به موضوع روانی زیان‌گریزی اشاره دارد. زیان‌گریزی راهکاری جالب برای توضیح پدیده ریسک‌پذیری و ریسک‌گریزی در نظریه اقتصاد متعارف است. بر اساس این مفهوم، همه افراد در برخی لحظات، برخوردار از حس ریسک‌گریزی و گاهی ریسک‌پذیری هستند و عموماً هنگامی که پای زیان در میان است، روحیه زیان‌گریزانه باعث می‌شود تصمیمات پر مخاطره‌تری اتخاذ شود (به اصطلاح ریسک‌پذیری افزایش می‌یابد) و هنگامی که پای منفعت در میان است، تمایل بر این است که کمترین میزان سود از دست رود، به همین علت تصمیمات ریسک‌گریزانه‌ای اتخاذ می‌شود. بیان تابع ارزش، حسابداری ذهنی، اثر چارچوب و تعیین نقطه مرجع که نسبت به آن تصمیمات ممکن است کاملاً متفاوت اتخاذ شوند، از دیگر اقدامات کانمن و تورسکی بوده است (پورحیدری و کیان، ۱۳۹۷: ۵).

۳- حسابداری ذهنی^۱

حسابداری ذهنی به معنای مجموعه‌ای از عملیات ادراکی برای کدگذاری فعالیتهای مالی به عنوان سود یا زیان است که این فعالیتها را به حسابهای ذهنی متفاوت طبقه‌بندی و سپس آنها را ارزیابی می‌کند. فرض پایه تئوری حسابداری ذهنی این است که افراد هنگام ارزیابی فعالیتهای پولی خود از تئوری مطلوبیت مورد انتظار پیروی نمی‌کنند. در عوض افراد از اینکه پول چه عنوانی دارد، چگونه جمع و گزارش شده است اثر می‌پذیرند. رفتار افراد به دلیل وجود حسابداری ذهنی، با جریانات نقدی که از منابع مختلف به دست می‌آید، متفاوت است (کاستیا و رانتاپاسکا، ۲۰۱۲: ۲۳۶).

چارچوبها و حسابهای ذهنی قسمتی از تئوری چشم‌انداز است که گرایش افراد به قرار دادن رویدادهای مخصوص، در حسابهای ذهنی متفاوت بر اساس ویژگیهای ظاهری را مطرح می‌کند. ایده اساسی در خصوص حسابداری ذهنی این است که سرمایه‌گذاران هنگام تصمیم‌گیری

1. Mental Accounting

2. Kaustia & Rantapuska

تمایل دارند که انواع متفاوت خطرات یا ریسکهایی که با آنها مواجه هستند را در حسابهای جداگانه در ذهن خود نگه‌دارند. در واقع حسابداری ذهنی به توضیح این نکته کمک می‌کند که در یک دنیای بدون هزینه معاملات و مالیات نیز افراد بین سود تقسیمی و سود سرمایه تفاوت قائل می‌شوند. حسابداری ذهنی شناخت بیشتر روان‌شناسی انتخاب است. در حسابداری ذهنی ما به دنبال درک توضیح اثرات احساسات انسانی در فرایند تصمیم‌گیری هستیم. به‌عنوان مثال رانندگان تاکسی پس از رسیدن به سطح خاصی از درآمد در طول روز، تمایل به دست کشیدن از کار دارند. به‌بیان‌دیگر پس از آنکه حساب ذهنی خاص آنها پر شد. در یک روز بارانی، هنگامی که درآمد استفاده از تاکسی در بالاترین حد خود است، آنها زود از کار دست می‌کشند و در یک روز آرام بیشتر کار می‌کنند. در حقیقت آنها زمانی که کسب درآمد آسان است ساعات کمتری کار می‌کنند و ساعاتی که سخت است بیشتر کار می‌کنند (سلیمانی و گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

مفاهیم حسابداری ذهنی

در فرآیند حسابداری ذهنی سه مفهوم کلیدی به شرح زیر نقش دارد (سلیمانی و گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۲۸):

- ۱- نتایج چگونه درک و آزموده شده، تصمیمها چگونه گرفته می‌شوند و سپس ارزیابی گردند. حسابداری ذهنی، تحلیل هزینه - منفعت پیش‌بینی شده و واقعی را مجاز می‌شمارد.
- ۲- تخصیص فعالیتها به حسابهای خاص. منابع و موارد استعمال وجوه نقد طبقه‌بندی می‌شوند. مخارج به طبقات (مسکن، غذا، تفریح و ...) و وجوهی که قرار است خرج شود گروه‌بندی می‌شوند، همچنین، جریانهای (درآمد منظم در برابر پادشاهای بادآورده) و موجودیها (وجه نقد، پرتفویهای سرمایه‌گذاری - داراییها) برجسب گذاری می‌شود.
- ۳- حسابهای ذهنی موجود پی‌درپی ارزیابی و مانده گیری می‌شوند - روزانه، هفتگی، سالانه. کانمن و تورسکی، مفهوم حسابهای ذهنی را با سناریوی آزمایشی زیر، تشریح کردند: حالت الف) تصور کنید شما قصد خرید یک ژاکت ۱۲۵ هزار تومانی و یک ماشین حساب ۱۵ هزار تومانی را دارید. فروشنده ماشین حساب به شما اطلاع می‌دهد قیمت ماشین حساب شما قصد خرید آن را دارید در شعبه دیگر همان فروشگاه که به اندازه ۲۰ دقیقه رانندگی

از آن فاصله دارد، ۱۰ هزار تومان است. آیا شما تصمیم خواهید گرفت به شعبه دیگر بروید؟

حالت ب) تصور کنید که شما قصد خرید یک ژاکت ۱۵ هزار تومانی و یک ماشین حساب ۱۲۵ هزار تومانی را دارید. فروشنده ماشین حساب به شما اطلاع می‌دهد قیمت ماشین حسابی که شما قصد خرید آن را دارید در شعبه دیگر همان فروشگاه که به اندازه ۲۰ دقیقه رانندگی از آنجا فاصله دارد ۱۲۰ هزار تومان است. آیا شما تصمیم می‌گیرید به شعبه دیگر بروید؟ در نتیجه، در دو حالت، گزینه این است که آیا برای صرفه‌جویی ۵ هزار تومان در مجموع هزینه ۱۴۰ هزار تومان، ۲۰ دقیقه رانندگی، صرف می‌کند یا خیر؟ پاسخها به دو حالت به‌طور چشمگیری متفاوت بودند. در حالت الف، ۶۸٪ شرکت‌کنندگان تمایل داشتند که به شعبه دیگر بروند در مقایسه با ۲۹٪ در حالت ب، نویسندگان بعدها بیان کردند که افراد چنین مسائلی را در حسابهای موضوعی قالب‌بندی می‌کنند که نتایج تصمیمهای ممکن را به سطوح تعیین شده در زمینه‌هایی ارتباط می‌دهد که تصمیمها برخاسته از آن است به‌عبارت‌دیگر، افراد به‌سادگی بر روی ۵ هزار تومان صرفه‌جویی مطلق در هر حالت تمرکز نمی‌کنند، بلکه آنها ۵ هزار تومان صرفه‌جویی را به قیمت خرید اصلی (اولیه) هر قلم خاص ارتباط می‌دهند (ماشین حساب ۵ هزار تومانی در حالت الف، ماشین حساب ۱۲۵ هزار تومانی در حالت ب (مرادزاده و ناظمی، ۱۳۸۸: ۷۲)

مطالعات کمی در زمینه حسابداری ذهنی در رشته حسابداری وجود دارد که به برخی مطالعات صورت گرفته در خصوص حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی اشاره می‌شود.

کونس^۱ و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی حسابداری ذهنی در حوزه گزارشگری مالی و افشای اختیاری پرداختند. این دو پژوهشگر عنوان نمودند که افراد درگیر در گزارشگری مالی و افشای اختیاری به‌صورت مکرر باید در مورد نحوه تشریح معاملات و رویدادهای اقتصادی تصمیم‌گیری کنند. اجزای کلیدی این تصمیم‌گیری مشتمل بر طبقه‌بندی اطلاعات، میزان ارائه جزئیات و تکرار ارائه این اقلام در طی زمان است. برای مثال شرکت‌هایی که از استانداردهای حسابداری بین‌المللی تبعیت می‌کنند باید در مورد طبقه‌بندی بهره به‌عنوان جریان نقدی عملیاتی و یا جریان نقدی تأمین مالی تصمیم‌گیری کنند. تحلیلگرانی که به ارزیابی ابزارهای مالی

مرکب شرکت می‌پردازند باید تصمیم بگیرند که آیا آنها را به‌عنوان یک حساب واحد مدنظر قرار دهند و یا انشعابات این اجزاء را بررسی کنند. هدف این پژوهش در دو گروه عنوان شده است: اولاً تشریح یک تئوری قدرتمند از حوزه روان‌شناسی به نام حسابداری ذهنی به‌منظور تبیین نحوه تصمیم‌گیری و ارزیابی این تصمیمات توسط افراد درگیر در بخش گزارشگری مالی و افشای اختیاری. ثانیاً: ارائه رهنمود برای تعیین نحوه تأثیرگذاری تئوری حسابداری ذهنی بر موضوعات گزارشگری مالی.

مرلین^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان تغییر جهت ابتکاری در سطح ملی در رابطه با صرفه‌جویی اشکال مختلف تخفیف مالیاتی این موضوع را آزمون نمودند که آیا مالیات‌دهندگان (۱) به تخفیفات مالیاتی توجه کرده‌اند و (۲) درصد بالایی از تخفیفات را به‌جای پس‌انداز نمودن خرج کرده‌اند. نتایج پژوهش شواهد بیشتری در رابطه با این موضوع که اقتصاد رفتاری و حسابداری ذهنی برای پیش‌بینی رفتار تخفیف مالیاتی مربوط تلقی می‌شوند، فراهم نمود. همچنین این پژوهش نشان داد که تخفیفاتی که در قالب مبالغ اندک توزیع شده‌اند در مقایسه با مبالغ عمده محرک مؤثرتری بوده‌اند، این امر به لحاظ نقد اثربخشی سیاستهای عمومی حائز اهمیت بوده است. بسیاری از مالیات‌دهندگان نمی‌دانستند که در سال ۲۰۰۹ تخفیف مالیاتی دریافت کرده‌اند و آنهایی که می‌دانستند درصد بالایی از آن را در مقایسه با تخفیف سال ۲۰۰۸ خرج کرده بودند.

بانر^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان حسابداری تفکیک مبتنی بر علامت و بزرگی ارقام صورتهای مالی، به این نتیجه رسیدند که ترجیحات مدیران برای تفکیک، انعکاس‌دهنده حسابداری ذهنی است. علاوه بر این، آثار حسابداری ذهنی تنها زمانی تعدیل می‌گردد که مدیران احساس فشار زیادی برای شفافیت گزارشگری می‌کنند. علاوه بر این و از همه مهمتر، ارائه‌های مرجح مدیران منتج به بالاترین ارزش‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران می‌شود.

دلیسل^۳ و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان تئوری چشم‌انداز، حسابداری ذهنی و قیمت‌های اختیار معامله، اظهار نمودند نظریه چشم‌انداز استدلال می‌کند که فرآیند تصمیم‌گیری انسان تمایل به ترکیب نقاط مرجع و وزن کردن نادرست رویدادهایی با احتمال وقوع کم

1. Marilyn

2. Bonner

3. Delisle

دارد. نتایج بررسی‌های آنان نشان داد که سرمایه‌گذاران بازار حق اختیار معامله، مانع افزایش قیمت‌ها می‌شوند و تابع وزن دهی احتمالات را ایجاد می‌کنند که مشابه تابعی است که توسط نظریه چشم‌انداز ارائه شده است. زمانی که شرکتها نوسانات ضمنی نسبتاً بالا و یا پایینی دارند، سوگیری‌ها منجر به قیمت‌های ناکارآمد برای اختیار معامله می‌شود.

سودیپ^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر اظهارنامه مالیاتی چندگانه بر انطباق رفتاری از قوانین مالیاتی پرداختند. آنها با استفاده از نظریه چشم‌انداز و حسابداری ذهنی، رفتار مالیات‌دهندگان را مورد بررسی قرار دادند. دامنه بررسی‌های پژوهش شامل عناصر اظهارنامه‌های چندگانه مالیات‌دهندگان (چندین اظهارنامه مالیاتی در مقابل یک اظهارنامه خالص) بوده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مالیات‌دهندگان با پرداخت بدهی معوق (چارچوب زیان) در مقایسه با مالیات‌دهندگان با بازپرداخت معوق (چارچوب سود) اقدام به گزارشگری جسورانه‌تری می‌کنند. به عبارت دیگر رفتار جسورانه مالیات‌دهندگان در مواقعی که بازپرداخت بیانگر اظهارنامه چندگانه در مقابل خالص اظهارنامه یگانه باشد، افزایش می‌یابد. همچنین رفتار جسورانه مالیات‌دهندگان در وضعیت پرداخت بدهی کاهش می‌یابد که بیانگر اظهارنامه متعدد در مقابل خالص اظهارنامه یگانه است.

آبدمی^۲ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی خصوصیات تجاری، مدیریت مالیاتی و تمکین مالیاتی شرکتهای کوچک و متوسط در نیجریه پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که سیستم مدیریت مالیاتی در نیجریه به دلیل ناکارایی‌ها و فساد تأثیر بااهمیتی بر روی تمکین مالیاتی ندارد و همچنین ساختار مالکیت تجاری، وضعیت ثبت در صنعت و تجربه و کیفیت مدیریت در شرکتهای کوچک بر روی تمکین مالیاتی تأثیر دارند.

توسوبیدا^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تمکین مالیاتی شرکتهای کوچک و متوسط در اوگاندا پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که اگر مؤدیان مالیاتی به دولت و حاکمیت مالیاتی خود اعتماد داشته باشند حتی با وجود سیستم مالیاتی ناعادلانه مایل هستند که مالیات شرکت خود را پرداخت کنند. همچنین حسابرسی احتمالی و تحریم‌ها نمی‌توانند شرکتهای کوچک و متوسط را وادار به تمکین از قوانین و مقررات مالیاتی کنند. علاوه بر این شواهد نشان می‌دهند

1. Sudip

2. Abdemi

3. Tusubira

که فساد و سیستم‌های بوروکراتیک تأثیر منفی بر عدالت مالیاتی دارند و این موضوع سبب فرار مالیاتی می‌شود.

ارمانشیا^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی اطمینان بیش از حد، حسابداری ذهنی و اجتناب از ضرر در تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه اندونزی پرداخت. نتایج به دست آمده بر اساس داده‌های ۲۵۰ پرسشنامه در بین سرمایه‌گذاران اندونزیایی نشان می‌دهد اطمینان بیش از حد و حسابداری ذهنی به طور قابل توجهی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه اندونزی تأثیر می‌گذارند.

نشوان^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر انگیزه‌های درونی مانند دینداری بر تمکین مالیاتی پرداختند. بر اساس نتایج این پژوهش آموزش و استدلال‌های بیشتر به مالیات‌دهندگان در مورد اهمیت پرداخت مالیات با به کارگیری دیدگاه‌های علمای اسلامی که تلقی مثبتی از مالیات دارند باعث افزایش بیشتر تمکین مالیاتی می‌گردد.

وینست^۳ (۲۰۲۳) به بررسی تأثیر ساختار مالیاتی چندلایه بر هنجارها و رفتارهای تمکین مالیاتی در ۴۹ کشور آمریکای لاتین و آفریقا پرداخت. بر اساس این پژوهش ساختار تصمیم‌گیری عمودی (سلسله‌مراتبی) در مورد موضوعات مالیاتی توسط رده‌های مختلف دولت می‌تواند بر رعایت مالیات تأثیر بگذارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که واگذاری اختیارات به ایالت‌ها و مقامات محلی باعث کاهش تمکین مالیاتی می‌شود.

سلیمانی امیری و همکاران (۱۳۹۰) مفاهیم حسابداری ذهنی و رابطه آن با مدیریت پرتفوی را بررسی کردند. در این مطالعه خلاصه‌ای از حسابداری ذهنی و تاریخچه، فرایند حسابداری ذهنی و رابطه آن با مدیریت پرتفوی مطرح شده است و در نهایت نتیجه‌گیری شده است که سرمایه‌گذاران باید برای کل پرتفوی یک حساب ذهنی در نظر بگیرند و اهداف خود را بلندمدت‌تر نمایند.

دیانتی دیلمی و پرورش (۱۳۹۴) در پژوهشی رابطه اخلاق شرکتی، مسئولیت اجتماعی و ماکیاولیسم با تمایل مدیران مالی به مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های فرار مالیاتی را مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌های پژوهش‌های آنها، بین میزان اعتماد مدیران مالی به اخلاق شرکتی و

1. Armansyah

2. Nashwan

3. Vincent

پذیرش مسئولیت اجتماعی و میزان اعتقاد آنها به اخلاق شرکتی و مسئولیت اجتماعی و نیز بین میزان گرایش ماکیاولیستی و میزان مخالفت آنها با برنامه‌های فرار مالیاتی، رابطه منفی وجود دارد.

پورحیدری و کیان (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان بررسی رفتار مدیران در به‌کارگیری حسابداری ذهنی در گزارشگری صورت سود و زیان پرداختند. در این پژوهش ترجیحات مدیران را در شرایطی که می‌توانند برای گزارشگری از تجمیع یا تفکیک موردسنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که ترجیح جداسازی مدیران سازگار با پیش‌بینی‌های تئوری حسابداری ذهنی است. یعنی، ترجیحات مدیران برای تجمیع در مقابل تفکیک تحت تأثیر علامت و بزرگی نسبی سود و زیان و به‌نوبه خود ترجیح تجمیع در برخی موارد و جداسازی در سایر موارد است.

پورحیدری و کیان (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر حسابداری ذهنی بر رفتار سرمایه‌گذاران از دیدگاه گزارشگری مالی پرداختند. این پژوهش درصدد بود تا به تبیین نقش حسابداری ذهنی، در گزارشگری مالی از دیدگاه سرمایه‌گذاران بپردازد. نتایج پژوهش بیانگر اثر تعدیلی گزارش زیان بر ارتباط بین سود خالص و قیمت سهام بود که در راستای تأیید نظریه حسابداری ذهنی در صورت سود و زیان است.

سنجرانی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر تسهیل در پرداخت مالیات توسط مؤدیان مالیاتی و شناسایی عوامل موجود پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد متغیر پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی با پرداخت مالیات توسط مؤدیان مالیاتی ارتباط معکوس و معناداری دارند. همچنین نتایج نشان داد ارتباط مستقیم و معناداری بین گسترش فرهنگ مالیاتی و پرداخت مالیات توسط مؤدیان مالیاتی وجود دارد که این امر به این مهم اشاره دارد که هرچه فرهنگ پرداخت مالیات در جامعه بیشتر نهادینه شود، مؤدیان مالیاتی بیشتر به پرداخت مالیات اقدام می‌کنند.

منظور (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تحلیل رفتار تمکین مالیاتی مؤدیان مالیاتی در ایران: رویکرد نظریه بازی‌ها، به بررسی تعاملات میان مؤدیان و نظام مالیاتی در ایران پرداخت. این تعاملات در سه رده مؤدیان مالیاتی، مشاوران مالیاتی و دستگاه اجرایی وصول‌کننده مالیات مورد مطالعه قرار گرفته بود. بر اساس نتایج این پژوهش برای جلوگیری از فرار مالیاتی لازم است در باب مصارف مالیات در کشور شفاف‌سازی لازم برای مؤدیان صورت گیرد و با شفاف‌سازی

و تسهیل فرایندهای مالیاتی نسبت به جلب اعتماد مؤدیان اهتمام شود. بر اساس این نتایج عدم وجود شفافیت شایسته، ناکافی بودن اطلاعات در تعاملات میان خود مؤدیان، عدم وجود کنترل‌های قانونی مناسب برای مؤدیان و مشاوران مالیاتی، یک تعادل باخت-باخت را موجب شده است که نتیجه آن عدم پرداخت مالیات از طرف مؤدیان بوده است.

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس نظریه تورسکی و کانمن (۱۹۷۹) و نظریه حسابداری ذهنی تالر حسابداری ذهنی چارچوبی را فراهم می‌کند تا تصمیم‌گیرندگان بتوانند مجموعه‌ای از نقاط مرجع را برای هر حساب تهیه و سود و زیان آن را تعیین کنند و سپس با استفاده از نظریه انتخاب تفاوتها را مشاهده و در نهایت تصمیم می‌گیرند. بر اساس نظریه تالر افراد هنگام مواجه با چندین پیامد بالقوه ممکن است آنها را باهم یا جداگانه ارزیابی کنند. در خصوص مؤدیان مالیاتی این ابهام وجود دارد که در رابطه با مالیات و مالیات بر درآمد حسابهای ذهنی انجام دهند و یا آنها را در قالب یک رویداد مالی و در یک حساب ذهنی نگهداری می‌کنند. از این رو فرضیه اولیه پژوهش به صورت زیر ارائه می‌شود:

۱- مؤدیان مالیاتی حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده انجام می‌دهند. بر اساس نظریه تصمیم، تصمیمات نهایی افراد بر اساس یک نقطه مرجع انجام می‌شود. اینکه کدام پیامد سود یا زیان توسط تصمیم‌گیرنده در نظر گرفته شود بستگی به این موضوع دارد که چه نقطه‌ای را به عنوان نقطه مرجع انتخاب کرده است. در خصوص اینکه مؤدیان مالیاتی چه نقطه‌ای را به عنوان نقطه مرجع در نظر می‌گیرند شواهد اندکی وجود دارد. داشتن یک حساب ذهنی جداگانه برای مالیات برای مثال جدا کردن مالیات پرداختی از درآمد ناخالص به این معنی است که سود خالص به عنوان نقطه مرجع به کاررفته است. در مقابل در یکپارچگی ذهنی با عدم تفکیک مالیات از سود ناخالص، سود ناخالص به عنوان نقطه مرجع در نظر گرفته شده است. در حال اول انجام فرار مالیاتی منجر به افزایش سود خاص و از طرفی منجر به زیان حساسی و پرداخت جریمه می‌شود. در حالت دوم زمانی که سود ناخالص به عنوان نقطه مرجع انتخاب میشود پرداخت مالیات به عنوان زبانی در نظر گرفته می‌شود که می‌توان با فرار مالیاتی آن را کاهش یا از آن جلوگیری کرد.

از این رو فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر ارائه می‌شود:

۲- بین حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر نتیجه اجرای آن از نوع کاربردی از منظر فرایند اجرا جزء پژوهش‌های کمی و از منظر هدف اجرا توصیفی و پیمایشی است. هدف پژوهش کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. این پژوهش از منظر بعد زمانی اجرای پژوهش از نوع مقطعی و در سال ۱۴۰۰ است. ابزار مورد استفاده در این نوع پژوهش پرسشنامه است. این پرسشنامه ۳۳ سؤالی بر اساس مقیاس لیکرت پنج‌بخشی است که در خصوص مؤلفه حسابداری ذهنی ۲۵ سؤال و در خصوص تمکین مالیاتی ۸ سؤال در نظر گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش را مدیران مالی و حسابداران و مؤدیان مالیاتی مشاغل و شرکتهایی که در استان کرمان موظف به ارائه اظهارنامه مالیاتی می‌باشند را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه جامعه آماری این پژوهش نامحدود فرض شده است به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود استفاده شد و حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد گردید. تعداد ۵۰۰ پرسشنامه به صورت حضوری و الکترونیکی بین مؤدیان مالیاتی، مدیران مالی، حسابداران توزیع گردید که در نهایت ۳۹۲ پرسشنامه به صورت کامل و صحیح دریافت گردید.

در این پژوهش روایی پرسشنامه از طریق روش روایی صوری با استفاده از نظرات اصلاحی بررسی شده است بدین نحوه که پرسشنامه مقدماتی برای ۱۰ نفر از اشخاص صاحب نظر ارسال و از پرسش‌شوندگان درخواست شده ضمن تکمیل آن، نظرات خود را در خصوص محتوای پرسشنامه اعلام نمایند. پس از دریافت پاسخ‌ها اصلاحات پیشنهادی انجام و پرسشنامه نهایی تهیه و مورد استفاده قرار گرفت. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از آلفای کرونباخ (مقدار آلفای کرونباخ ۰.۸۴) آزمون شده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه شامل میانگین، انحراف معیار، ماکزیمم، مینیمم، چولگی و کشیدگی را نشان می‌دهد. مطابق با این جدول حسابداری ذهنی دارای بیشترین و تمکین مالیاتی کمترین مقدار میانگین را دارد. برای یک توزیع کاملاً متقارن چولگی صفر و برای یک توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر بالاتر چولگی مثبت و برای توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر کوچک‌تر مقدار چولگی منفی است. مقدار چولگی مشاهده شده برای متغیر حسابداری ذهنی برابر ۰/۳۱۴- است و برای متغیر تمکین مالیاتی ۰/۳۶۳- می‌باشد

که در بازه (۲، ۲-) قرار دارد، بنابراین از لحاظ چولگی نرمال بوده و توزیع آن متقارن است. مقدار کشیدگی برای متغیرهای حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی به ترتیب ۰/۴۷۴ و ۰/۱۱۱ است که در بازه (۲، ۲-) قرار دارد. بنابراین توزیع این دو متغیر از کشیدگی نرمال برخوردار است.

جدول ۲ ویژگیهای جمعیت شناختی مربوط به پژوهش را نشان می‌دهد. از ۳۹۲ پاسخ‌دهنده ۵۷ نفر آنها زن و ۳۳۵ نفر مرد بودند که از این تعداد ۳۳۷ نفر دارای تحصیلات کارشناسی و پایین‌تر، ۳۹ نفر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۱۶ نفر دکتری بودند. همچنین از نظر وضعیت شغلی ۳۱۴ نفر صاحب کسب و کار و ۳۵ نفر مدیر مالی و ۴۳ حسابدار هستند.

جدول ۱. آمار توصیفی

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	چولگی	کشیدگی
حسابداری ذهنی	۳۹۲	۳/۲۸۱۱	۰/۱۵۱۹۵	۳/۷۶	۲/۶۸	-۰/۳۱۴	۰/۴۷۴
تمکین مالیاتی	۳۹۲	۳/۱۷۵۴	۰/۱۶۴۸۸	۳/۵۰	۲/۶۳	-۰/۳۶۳	۰/۱۱۱

جدول ۲. ویژگیهای جمعیت شناختی

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۵۷
	مرد	۳۳۵
سطح تحصیلات	کارشناسی و پایین‌تر	۳۳۷
	کارشناسی ارشد	۳۹
	دکتری	۱۶
وضعیت شغلی	صاحب کسب و کار	۳۱۴
	مدیر مالی	۳۵
	حسابدار	۴۳

۱- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

به منظور اندازه‌گیری حسابداری ذهنی پرسشنامه‌ای با ۲۵ سؤال به صورت طیف لیکرت پنج گزینه‌ای در اختیار مؤدیان مالیاتی، مدیران مالیاتی و حسابداران قرار داده شد. پس از تکمیل

پرسشنامه، داده‌های مربوط به سؤالات متغیر حسابداری ذهنی با استفاده از میانگین به یک مقدار برای هر پاسخگو تبدیل گردید که در جدول (۳) پرسشها و میانگین نمرات داده‌شده مشاهده می‌گردد.

جدول ۳. میانگین پاسخهای داده‌شده فرضیه اول

ردیف	گزاره	میانگین
۱	زمانی که به گردش مالی ام فکر می‌کنم، اینکه مالیات‌هایم چقدر زیاد خواهد شد ذهنم را مشغول می‌کند.	۳/۸۲
۲	زمانی که پولی به دست می‌آورم بی‌اختیار به بدهی مالیاتی فکر می‌کنم.	۲/۵۸
۳	من تنها زمانی به مالیات‌ها فکر می‌کنم که موعد اظهارنامه مالیاتی می‌رسد. (معکوس)	۳/۰۵
۴	من در ذهنم مالیات‌ها را از باقیمانده درآمد جدا می‌کنم.	۳/۹
۵	زمانی که قیمت‌ها را تعیین می‌کنم، سودم را بعد از مالیات محاسبه می‌کنم	۳/۵۲
۶	زمانی که کسب‌وکار من در یک سال به‌طور استثنائی خوب پیش می‌رود، به اینکه چقدر مالیات اضافه باید پرداخت کنم فکر می‌کنم.	۳/۸۳
۷	در زندگی روزمره‌ام، کل درآمد را به‌عنوان سود در نظر می‌گیرم. (معکوس)	۳/۵۳
۸	من برای پرداخت مالیات‌های آتی پول پس‌انداز می‌کنم.	۲/۷۵
۹	من پولی را که پس‌انداز کردم برای پرداخت‌های مالیاتی آتی، خرج چیزهای دیگر نمی‌کنم.	۲/۷۲
۱۰	من می‌دانم که دقیقاً چقدر پول باید برای پرداخت مالیات‌های آتی پس‌انداز کنم.	۲/۸۴
۱۱	من برای پرداخت‌های مالیاتی آتی یک حساب بانکی پس‌انداز جداگانه دارم	۲/۰۲
۱۲	پولی که به اداره مالیاتی پرداخت می‌شود، پول من نیست چراکه مشتریانم آن را پرداخت می‌کنند.	۲/۵۴
۱۳	من گاهی اوقات پولی را که برای پرداخت‌های آتی مالیاتی پس‌انداز کردم را خرج چیزهایی دیگر می‌کنم. (معکوس)	۳/۶۸
۱۴	من استردادهای مالیاتی را سود در نظر می‌گیرم.	۴/۳۳
۱۵	من بدهی‌های معوق مالیاتی را به‌عنوان هزینه در نظر می‌گیرم.	۴/۱۸
۱۶	زمانی که پولی را به دست می‌آورم به‌صورت ذهنی مالیات بر درآمدم را از درآمدم جدا می‌کنم.	۴
۱۷	من برای پرداخت‌های مالیات بر درآمد اضافی بالقوه، پول پس‌انداز می‌کنم.	۲/۴۴
۱۸	من زمانی که به نسبت سالهای قبل درآمد بیشتری دارم، برای پرداخت‌های مالیات بر درآمد اضافی پول پس‌انداز می‌کنم.	۲/۵۲
۱۹	مالیات بر درآمد پولی است که من دریافت و به اداره مالیاتی منتقل (واریز) می‌کنم و در واقع این مالیات را مشتریانم دارند پرداخت می‌کنند.	۲/۴۱
۲۰	زمانی که پرداخت‌های مالیات بر درآمد را به اداره مالیاتی انجام می‌دهم من آن را به‌عنوان زیان تلقی می‌کنم.	۳/۹۲
۲۱	زمانی که پولی را به دست می‌آورم به‌صورت ذهنی مالیات بر ارزش‌افزوده را از درآمد جدا می‌کنم.	۳/۹۳

ردیف	گزاره	میانگین
۲۲	من زمانی که اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده فصلی را تکمیل و ارسال می‌کنم، برای پرداختهای مالیات پول پس‌انداز می‌کنم.	۲/۸۹
۲۳	من برای اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده‌ی سالانه پول پس‌انداز می‌کنم.	۲/۸۴
۲۴	مالیات بر ارزش افزوده پولی است که من دریافت و به اداره مالیاتی منتقل می‌کنم. مشتریانم دارند این مالیات را پرداخت می‌کنند.	۳/۹۲
۲۵	زمانی که پرداختهای مالیات بر ارزش افزوده را به اداره مالیاتی را انجام میدهم من آن را به‌عنوان زیان در نظر می‌گیرم.	۳/۸۲
۲۶	میانگین	۳/۲۸

برای آزمون فرضیه اول پژوهش از آزمون (t) تک نمونه‌ای استفاده گردید. اگر میانگین نمرات داده‌ها بیشتر از حد متوسط یعنی عدد ۳ باشد، بدین معنی است که افراد حسابداری ذهنی انجام می‌دهند. جدول ۴ خلاصه نتایج آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج آزمون (t) تک نمونه‌ای به منظور بررسی حسابداری ذهنی

۳=میانگین نظری				
نام متغیر	t	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین مشاهده شده
حسابداری ذهنی	۳۶/۶۲۹	۳۹۱	.۰۰۰	۳/۲۸۱

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد سطح معناداری (sig) کمتر از ۵ درصد و علامت آماره t مثبت است که نشان می‌دهد نمرات داده شده حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و ارزش افزوده پاسخ‌دهندگان بیشتر از حد متوسط است. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان بیان نمود که مؤدیان مالیاتی حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده انجام می‌دهند. یعنی به صورت ذهنی، مالیات را از دیگر درآمدها جدا می‌کنند و حساب جداگانه‌ای برای مالیات‌ها باز می‌کنند و تمایز بین درآمد ناخالص و خالص قائل می‌شوند و همه فعالیت‌های مالی را در یک حساب ذهنی واحد وارد نمی‌کنند. لذا با توجه به توضیحات فوق فرض اول پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: بین حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد.

به‌منظور اندازه‌گیری تمکین مالیاتی پرسشنامه‌ای با ۸ سؤال به‌صورت طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای در اختیار مؤدیان مالیاتی، مدیران مالیاتی و حسابداران قرار داده شد. پس از تکمیل پرسشنامه، داده‌های مربوط به سؤالات متغیر حسابداری ذهنی با استفاده از میانگین به یک مقدار برای هر پاسخگو تبدیل گردید که در جدول (۵) نمرات داده‌شده به پرسشهای تمکین مالیاتی مشاهده می‌گردد.

جدول ۵. پرسشها و میانگین نمرات پاسخ داده شده

ردیف	گزاره	میانگین
۱	چقدر احتمال دارد که فایل اظهارنامه مالیاتی خود را به‌موقع تکمیل و ارسال کنید؟	۴/۴۲
۲	چقدر احتمال دارد که اظهارنامه مالیاتی شما ناقص باشد؟ (به‌درستی تکمیل نشده باشد)؟ (معکوس)	۳/۸۹
۳	چقدر احتمال دارد که مشتری از شما درخواست کند تا فروش یک محصول یا سرویس را بدون هزینه مالیات بر ارزش‌افزوده منظور کنید؟ (معکوس)	۲/۱۱
۴	چقدر احتمال دارد که شما هزینه مالیات بر ارزش‌افزوده را منظور نکنید تا قیمت پایین‌تری را پیشنهاد دهید؟ (معکوس)	۲/۳۱
۵	چقدر احتمال دارد که شما مالیات بر ارزش‌افزوده را از مشتری دریافت ولی آن را به اداره مالیاتی پرداخت ننمایید؟ (معکوس)	۲/۴۶
۶	چقدر احتمال دارد ادعای شما درباره معافتهای مالیاتی که لحاظ کردن نادرست باشد؟ (معکوس)	۳/۱۷
۷	چقدر احتمال دارد شما محصول یا خدماتی را بفروشید بدون آنکه در اظهارنامه مالیاتی تان قید کنید؟ (معکوس)	۳/۵۷
۸	چقدر محتمل هست که درآمد کمتری را اظهار کنید نسبت به درآمد واقعی که آورده‌اید؟ (معکوس)	۳/۴۷

به‌منظور بررسی ارتباط بین حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی از رگرسیون خطی استفاده گردید. خلاصه نتایج آزمون فرضیه دوم به شرح جدول زیر (جدول ۶) است:

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۰/۱۴۹	۱/۵۶۶	
حسابداری ذهنی	۰/۸۵۰	۳۱/۸۷۷	۰/۰۰۰
سطح معناداری آماره (F)	ضریب تشخیص (R ^۲)	ضریب تشخیص (R ^۲)	تعدیل شده ۰/۷۲۲

از آماره فیشر برای تعیین معنادار بودن مدل رگرسیون استفاده شده است. با توجه به جدول ۶ مقدار احتمال این آماره کمتر از سطح معناداری (۵) درصد است، لذا فرض خطی نبودن مدل رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت که مدل رگرسیون این فرضیه معنادار است و می‌توان از این مدل استفاده کرد. فرض‌های آماری مرتبط با این فرضیه به شرح زیر است:

فرض صفر: بین حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی رابطه معنادار وجود ندارد.

فرض جانشین: بین حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد.

با توجه به جدول ۶، سطح معناداری محاسبه شده برای تمکین مالیاتی (متغیر وابسته) کمتر از ۵ درصد است، لذا با اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب حسابداری ذهنی (متغیر مستقل) می‌توان نتیجه گرفت حسابداری ذهنی تأثیر مثبت و معنادار بر تمکین مالیاتی دارد. به عبارت دیگر مطابق با تئوری چشم‌انداز و نقش حسابداری ذهنی در تعیین نقطه مرجع در تصمیم‌گیری می‌توان بیان کرد افرادی که حسابداری ذهنی بیشتری انجام می‌دهند تمکین مالیاتی بالاتری دارند (بیشتر قوانین و مقررات مالیاتی را رعایت می‌کنند) نسبت به مؤدیانی که حسابداری ذهنی کمتری (مؤدیانی که از نظر ذهنی پرداختهای مالیاتی را به‌عنوان یک رویداد مالی مجزا در نظر نمی‌گیرند و همه فعالیت‌های مالی را در یک حساب ذهنی واحد وارد می‌کنند) انجام می‌دهند. بنابراین با توجه به توضیحات فوق فرض دوم پذیرفته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که تالر^۱ (۱۹۸۵) بیش از ۳۰ سال قبل ذکر کرده است، حسابداری ذهنی مهم است. اهمیت آن در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های مالی از طریق نحوه کدگذاری، طبقه‌بندی، و ارزیابی نتایج مالی نشان داده شده است. در این پژوهش ابتدا بررسی شد یعنی که مؤدیان به‌صورت ذهنی حسابهای جداگانه‌ای برای مالیات، مالیات بر ارزش افزوده، درآمدها، هزینه‌ها و... در ذهنشان در نظر می‌گیرند؟ میزان استفاده از حسابداری ذهنی به‌وسیله پرسشنامه و مقیاس لیکرت بررسی گردید که با توجه به نمرات بالای حسابداری ذهنی، مشخص گردید افراد حسابداری ذهنی انجام می‌دهند. بنابراین فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار گرفت که با نتایج

موهلباچر و کیرچلر^۱ (۲۰۱۳) مطابقت دارد. در پژوهش موهلباچر و کیرچلر (۲۰۱۳)، خویش‌فرمایان اتریشی در خصوص مدیریت پول و مالیات مورد مصاحبه قرار گرفتند که اکثر افراد مورد آزمون، در ذهن خود مالیات قابل پرداخت را از درآمد تفکیک کردند و برای نمونه بیشتر آنها پاسخ دادند که بر اساس سال قبل می‌دانند که چه مقدار پول باید برای مالیات کنار بگذارند. فرضیه دوم این پژوهش بررسی رابطه بین حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی است. تمکین به مفهوم پایبندی مؤدیان به تکالیف مالیاتی و رعایت قوانین مالیاتی از سوی آنهاست. طی سالهای اخیر پژوهش‌های مالیاتی عمدتاً بر این پایه استوار بودند که آیا افرادی تمکین انجام می‌دهند یا خیر. تمکین مالیاتی از طریق اندازه‌گیری تفاوت بین مالیات ابرازی مؤدی و مالیات قطعی شده آن محاسبه می‌شد. اما در این پژوهش تمکین مالیاتی از طریق پرسشنامه و خود اظهاری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج فرضیه دوم نشان داد که ارتباط مستقیمی بین حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی وجود دارد که این رابطه را می‌توان توسط تئوری چشم‌انداز تشریح کرد. مطابق این تئوری، این فرض وجود دارد که پیامدهای تصمیم با توجه به یک نقطه مرجع ارزیابی شوند که این نقطه تابع ارزش را به دو ناحیه سود و زیان تقسیم می‌کند. نقطه مرجع ممکن است موقعیت دارایی، یک انتظار یا یک محرک خارجی فراهم شده به وسیله چارچوب تصمیم باشد و اینکه کدام پیامد به عنوان زیان در نظر گرفته شود یک موضوع ذهنی است.

حسابداری ذهنی می‌تواند در تعیین اینکه کدام نقطه در تصمیمات تمکین مالیاتی به عنوان نقطه مرجع باشد به کار رود. نگهداری یک حساب ذهنی جداگانه و تفکیک آن از درآمد به این معنا است که سود خالص به عنوان نقطه مرجع است. از این منظر فرار مالیاتی موجب افزایش در سود خالص می‌شود و همچنین از طرفی منجر به احتمال حسابرسی و جریمه می‌شود. در مقابل در یکپارچگی ذهنی مالیات و درآمد، سود ناخالص به عنوان نقطه مرجع به کار برده می‌شود و پرداخت مالیات به منزله زیان در نظر گرفته می‌شود که با فرار مالیاتی می‌توان این زیان را جبران نمود. بنابراین زمانی که سود ناخالص به عنوان نقطه مرجع باشد می‌توان انتظار داشت که تمکین مالیاتی بیشتر شود. از این نظر تفکیک‌کنندگان مالیاتی (افراد) که نمرات حسابداری ذهنی بالاتری کسب کردند) نسبت به یکپارچه‌کنندگان تمکین مالیاتی بیشتری دارند که با نتایج

پژوهش‌های اولسن و همکاران^۱ (۲۰۱۹) و پژوهش موهلباچر و همکاران (۲۰۱۷) و آدامز و وبلی^۲ (۲۰۰۱) مطابقت دارد.

پژوهش حاضر نیز مانند سایر پژوهش‌ها با محدودیتهایی مواجه هست. برای نمونه ممکن است پاسخگویان به دلیل خستگی، عدم تمرکز و یا اجتناب از پاسخگویی صادقانه به دلیل پیامدهای اجتماعی، با صداقت کامل پاسخ ندهند. همچنین در این پژوهش، تمکین مالیاتی بر اساس میزان پایبندی و اجرای قوانین مالیاتی اندازه‌گیری شد، به طوری که هر چه مؤدیان به تکالیف و وظایف مالیاتی خود به نحو مناسب‌تری عمل نمایند، سطح تمکین آنها افزایش پیدا می‌کند، درحالی که سطح تمکین بالای یک مؤدی الزاماً بدین مفهوم نیست که مؤدی فاقد هرگونه ریسک مالیاتی است. به‌عنوان مثال مؤدی می‌تواند به‌طور کامل به تکالیف مالیاتی خود عمل نموده، لکن به هر دلیلی تنها اقدام به ابراز بخشی از نتایج فعالیت‌های خود به سازمان امور مالیاتی نماید و اقدام به کتمان بخشی از درآمدهای خود نماید، از این رو توصیه می‌شود در پژوهشهای آتی نیز این محدودیت پژوهش مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادات کاربردی زیر ارائه می‌شود:

به نظر می‌رسد آموزش مالیات‌دهندگان به سمت استراتژی‌های صحیح حسابداری ذهنی، روشی مؤثر در راستای تمکین مالیاتی است. یک چنین آموزشی را می‌توان با استفاده از بروشورها، دوره‌های آموزشی یا از طریق ارتباط دوستانه و حمایتی با اداره مالیاتی (در اوایل شروع شغل مالیات‌دهندگان) انجام داد. روش دیگر برای تسهیل شیوه‌های حسابداری ذهنی مثبت، دادن حق انتخاب به مؤدیان است که بتوانند بخش ثابتی از درآمد را بلافاصله به‌عنوان پیش‌پرداخت داوطلبانه به اداره مالیات پرداخت نمایند. پیش‌پرداخت روزمره یا دوره‌های سه‌ماهه مالیات، در مقایسه با پرداخت یکجا و سالیانه می‌تواند کمتر آزاردهنده باشد؛ مانند مالیات حقوق که به‌صورت ماهیانه کسر و پرداخت می‌شود و مؤدی از مبلغ سرجمع یکساله آن - که ممکن است زیاد نیز باشد - بی‌اطلاع است. راهکار دیگر، داشتن یک حساب بانکی مالیاتی جداگانه برای مالیات‌دهندگان است که قابل برداشت برای سازمان مالیاتی نیز باشد. این روش می‌تواند هم برای مالیات‌دهندگان و هم مقامات مالیاتی سودمند باشد. برای مالیات‌دهندگان، نظارت و

1. Olsen

2. Adams & webly

مدیریت بر درآمدها و هزینه‌ها را بیشتر می‌نماید و برای مقامات مالیاتی نیز باعث افزایش تمکین مالیاتی، دسترسی و وصول درآمدهای مالیاتی می‌شود. با توجه به اینکه پژوهش حاضر رابطه حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی را به‌طور کلی بررسی کرده است، به‌منظور رسیدن به یک پژوهش جامع‌تر، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی اثر متغیرهایی مانند ویژگیهای شخصیتی، ویژگیهای کسب‌وکار نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود اثر متغیرهای دانش و آگاهی کافی از قوانین و مقررات مالیاتی و سواد مالی مؤدیان مالیاتی نیز بر تمکین مالیاتی بررسی شود.



منابع

- حجازی، رضوان؛ ابوحمزه، مینا. (۱۳۹۷). پدیدارشناسی نقش نگرش فردی بر اخلاق مالیاتی و تمکین مالیاتی. فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۳(۵): ۲۰۸-۱۸۷.
- دیانتی دیلمی، زهرا؛ رضاپور پرورش، رویا. (۱۳۹۳). رابطه بین اخلاق شرکتی، مسئولیت اجتماعی و ماکیاولیسم با فرار مالیاتی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۹(۴): ۳۳-۲۱.
- رسولی شمیرانی، رضا؛ اسداله زاده بالی، میر رستم. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر تمکین و خود اظهاری و ارائه راهکارهایی کارآمد جهت بهبود شرایط موجود. مجموعه مقالات اولین همایش سیاستهای مالی و مالیاتی ایران. دانشکده اقتصاد تهران. <http://taxresearch.ir/files/site1/files/1h/rasooli.pdf>
- سامتی، مرتضی؛ زنگنه، احسان. (۱۳۹۷). اثر روابط متقابل اجتماعی بر سطح تمکین مؤدیان مالیاتی. فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، ۲۶(۸۶): ۳۹-۶۴.
- سلیمانی امیری، غلامرضا؛ گودرزی، نرگس؛ زراعتی، لیللا. (۱۳۹۰). حسابداری ذهنی و رابطه آن با مدیریت پرتفوی. پژوهشهای حسابداری مالی، ۱(۱): ۱۳۶-۱۲۳.
- سنجرانی، طوبی. (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر تسهیل در پرداخت مالیات توسط مؤدیان مالیاتی و شناسایی عوامل موجود. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵(۵۴): ۱۲۵-۱۰۴.
- کیان، علیرضا؛ پورحیدری، امید؛ کامیابی، یحیی. (۱۳۹۷). بررسی رفتار مدیران در به کارگیری حسابداری ذهنی و گزارشگری صورت سود و زیان. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۵(۵۸): ۲۶-۱.
- کیان، علیرضا؛ پورحیدری، امید؛ کامیابی، یحیی. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر حسابداری ذهنی بر رفتار سرمایه گذاران از دیدگاه گزارشگری مالی. پژوهشهای حسابداری مالی، ۹(۲): ۲۲-۱.
- منظور، داود. (۱۴۰۱). تحلیل رفتار تمکین مالیاتی مؤدیان مالیاتی در ایران: رویکرد نظریه بازیها. پژوهشنامه مالیات، ۳۰(۵۵): ۱۵۰-۱۲۷.

References

- Abidemi, A. & M. Egharevba. (2018). SMEs Business Characteristics, Tax administration and Tax Compliance by SMEs in Nigeria. *Journal of Business and Economics*, 6(3), 7-17.
- Abdollahi, Gh. & S. Fallahpour. (2011). Identifying and Weighting the Behavioral Distortions of Investors in the Tehran Stock Exchange: A Fuzzy AHP Approach. *Financial Research Journal*, 13(31):99-120. (In Persian).
- Al-Ttaffi, L. & S. Bin-Nashwan. (2022). Understanding Motivations of Tax Compliance Behaviour: Role of Religiosity and Tax Knowledge. *The Journal of Management Theory and Practice*, 3(1), 35-41.

- Armansyah, R.(2021). Over confidence, mental accounting, and loss aversion in investment decision. *Journal of Auditing, Finance, and Forensic Accounting*, 9(1), 5-44.
- Bame-Aldred, C, Cullen, J. & Kelly, M. (2013). National Culture and firm-level Tax Evasion. *Journal of Business Research*, 66(3):390-396.
- Bonner, S, Clor-Proell, S. & Koonce Lisa. (2014). Mental Accounting and Disaggregation Based on the Sign and Relative Magnitude of Income Statement Items. *The Accounting Review*, 89(6), 2087–2114.
- Caroline, A. & P. webly.(2001). Small business owner's attitudes on VAT compliance in the UK. *Journal of Economic Psychology*, 22(2), 195-216.
- Camille, Rose. (2023). Vertical taxing rights and tax compliance norms. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 205(1): 443-467.
- Delisle, Jared, & Diavatopoulos, D. & Fodor, A. (2015). Prospect Theory, Mental Accounting, and Option Prices. <https://ssrn.com/abstract=2561887>. 1-35.
- Diyanati deylami, z. & R. Rezapoor parvaresh. (2014). The relationship between corporate ethics, *social responsibility and Machiavellianism with tax evasion*, 9(4):21-33. (In Persian).
- Grinblate, M. & H. Bing. (2005). Prospect theory, Mental Accounting and Momentum. *Journal of Financial Economics*, 78(2):311-339.
- Hejazi, R. & M. Abohamzeh.(2018). Phenomenology of the Role of Individual Attitudes on Tax Ethics and Tax Compliance. *Journal of Value and Behavioral Accounting*, 3(5):187-208. (In Persian).
- Kaustia, M. & E. Rantapuska. (2012). Rational and Behavioral Motives to Trade: Evidence from Reinvestment of Dividends and Tender offer Proceeds. *Journal of Banking and Finance*, 36(8):2366-2378.
- Khajavi, S. & B. Karamshahi. (2018). Phenomenology of the Role of Individual Attitudes on Tax Ethics and Tax Compliance. *Journal of Value and Behavioral Accounting*, 3(5):187-208.(In Persian).
- Kian, A; Pourheydari, O. & Kamyabi, Y. (2018). Investigating the Behavior of Managers in Using Mental Accounting and Income Statement Reporting, *Empirical Studies in Financial Accounting*, 15(58):1-26. (In Persian).
- Kian, A; Pourheydari, O. & Kamyabi, Y. (2018).The Impact of Mental Accounting on the Investor's Behavior: Financial Reporting Perspective. *Journal of Financial Accounting Research*, 9(2):1-26. (In Persian).
- Kirchler, E. (2007).The Economic Psychology of Tax Behavior. *Cambridge, UK: Cambridge University Press*. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511628238>.
- Knack, S. & Keefer. P. (1997).Does Social Capital Have an Economic Payoff? A Cross-country Investigation. *Quarterly Journal of Economics*, 112(4): 1251-1288.
- Koonce, L. & Fennema. M. (2010). Mental Accounting in Financial Reporting and Voluntary Disclosure. *Journal of Accounting Literature*, 29(1):1-29.
- Manzoor, D. (2022). Analysis of compliance behavior of taxpayers in Iran: game theory approach. *Journal of Tax Research*, 30(55):127-150. (In Persian).
- Marilyn, S. & Chambers, V. (2012). National Heuristic Shift toward Saving Any Form of Tax Rebate. *Accounting and the Public Interest*, 12(1):106-136.
- Moradzadeh, M. & M. Nazemi.(2009). Mental Accounting: a Different Approach to Decision Scenarios. *Journal of the Auditor*, 9(46):70-77. (In Persian).

- Murphy, K. (2008). Enforcing Tax Compliance: To Punish or Persuade? *Economic Analysis and policy*, 38(1):113-135.
- Olsen, J; Kasper, M; Kogler, C; Muehlbacher, S. & Kirchler, E. (2019). Mental accounting of income tax and value added tax among self-employed business owners. *Journal of Economic Psychology*, 70(1):125-139.
- Rasooli Shamirani, R. & M. Asadollahzadeh Bali. (2007). Investigating multiple Factors on the compliance and self-declaration of taxpayers and providing efficient solutions to improve the existing conditions. of Tax Unites. *The first conference on financial and tax policies of Iran*. <http://taxresearch.ir/files/site1/files/1h/rasooli.pdf>:371-389. (In Persian).
- Sanjarani, t. (2021). Investigating the factors affecting the facilitation of tax payment by taxpayers and identifying the existing factors. *Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 5(54):104-125. (In Persian).
- Soleymani, A; Gholamreza Godarzi, N. & Zeraati, L. (2010). Mental Accounting and its Relationship with Portfolio Management. 1(1):123-136. (In Persian).
- Sudip, B, Kimberly, M. & Debra, S. (2015). The Impact of Multiple Tax Returns on Tax Compliance Behavior. *Behavioral Research in Accounting*, 27(1): 99-119.
- Tusubira, F. (2018). Tax Compliance by small and medium- sized corporation: *A case of Uganda, Doctoral Theses, University of Exeter*. <http://hdl.handle.net/10871/33136>.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی